

رابطه پایبندی مذهبی و تعارض زناشویی و تفاوت آنها در میان زوجین

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۷/۱۲

عباس علی هراتیان^۱، مسعود جان بزرگی^۲، مرگان آگاه‌هریس^۳

چکیده

هدف از این پژوهش، شناسایی رابطه پایبندی مذهبی و تعارض زناشویی در میان زوجین و مقایسه آنها با توجه به متغیر جنسیت است. اطلاعات نمونه مورد پژوهش ۳۹۱ زوج از میان زوجین ساکن استان سمنان، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای گردآوری شد. شرکت‌کنندگان به گویه‌های پرسش‌نامه‌های پایبندی مذهبی و تعارض زناشویی پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماري SPSS و با روش آماري همبستگی پیرسون انجام شد. نتایج نشان داد که بین متغیرهای پایبندی مذهبی و تعارض زناشویی و زیرمقیاس‌های آنها رابطه معنادار وجود دارد ($p < 0/05$). همچنین نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه، حاکی از معناداری تفاوت نمرات زیرمقیاس‌های پایبندی، ناپایبندی مذهبی و نمرات زیرمقیاس‌های کاهش همکاری، افزایش واکنش هیجانی، جدا کردن امور مالی و ارتباط مؤثر در میان زوجین بود. مطابق این تحلیل‌ها می‌توان گفت که افراد با پایبندی مذهبی بیشتر، ازدواج را مقدس و یک مسئولیت تلقی کرده و به واسطه ایفای تعهدات زناشویی، با تعارض زناشویی کمتری روبه‌رو می‌شوند.

واژگان کلیدی: پایبندی مذهبی، تعارض زناشویی، زوجیت، جنسیت.

۱. دانشجوی دوره دکتری روانشناسی عمومی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

a.haratiyan@gmail.com

۲. دانشیار روانشناسی بالینی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

Email psychjan@gmail.com

۳. استادیار روانشناسی سلامت، دانشگاه پیام‌نور، مرکز گرمسار، ایران.

Email: Agah.mojgan@yahoo.com

۱. مقدمه

خانواده، نخستین پایه‌گذار و مهم‌ترین عامل رشد شخصیت، ارزش‌ها و نگرش‌های انسان است. (سپهریان‌آذر، و قلاوندی، ۱۳۹۰) هسته اصلی خانواده، زن و شوهرند (احمدی، و دیگران، ۱۳۸۵) و یکی از طولانی‌ترین و عمیق‌ترین ارتباطات، ارتباط زناشویی است؛ ارتباطی که همسران انتظار دارند در سایه آن هر نیازی را ارضا کنند و به آرمان‌های خود نیز جامه عمل ببوشانند. گاهی این ارتباط صمیمانه متوقف می‌شود و عشق به آزدگی و خشم تبدیل می‌شود. در نتیجه، منازعات فراوانی رخ می‌دهد (سیاوشی، و نوابی‌نژاد، ۱۳۸۴).

هرچند تجربه سطوح مختلفی از تعارض، اختلاف نظر و رنجش در تعاملات زوجین، امری بدیهی و غیر قابل اجتناب است، (استوبیر، ۲۰۰۵) ولی یکی از مشکلات شایع در دنیای امروز، تعارض‌ها و درگیری‌های زناشویی است. این موضوع به دلیل اثرات مخرب آن، مورد توجه مشاوران و روان‌درمانگران واقع شده، به طوری که نظریه‌های متعددی در این زمینه ارائه و پژوهش‌های گوناگونی صورت گرفته است. (فرح‌بخش، و دیگران، ۱۳۸۵)

از نظر رایس (۱۹۹۶) و پترسون و دیگران (۱۹۷۵) تعارض زناشویی نوعی ارتباط زناشویی است که در آن، رفتارهای خشونت‌آمیز مثل توهین، سرزنش، انتقاد و حمله فیزیکی وجود دارد. همسران در آن نسبت به هم احساس خصومت، کینه و خشم داشته، هریک عقیده دارد که همسرش، نامطلوب و ناسازگار است و موجب رنجش و عذاب او می‌شود. (سعیدی، و دیگران، ۱۳۸۵) امونزو و کینگ، تعارض بین اهداف مختلف زندگی را عامل تعارض زناشویی می‌دانند. (ایمونزو، و کینگ، ۱۹۹۸) رویکرد رفتاری، مشکلات زناشویی را بر اساس قوانین یادگیری اجتماعی و تبادل رفتار تبیین می‌کند. برای مثال استوارت (۱۹۹۶) معتقد است تعارض زمانی ایجاد می‌شود که یکی از همسران از مبادله صورت‌گرفته و میزان دریافتی خود در رابطه راضی نیست و آخرین راه حل را استفاده از خصومت می‌داند (سعیدی، و دیگران، ۱۳۸۵). برخی دیگر از موضوع‌های شناخته شده‌ای که می‌تواند پدیدآورنده اختلاف‌های زناشویی باشد، عبارتند از: پول، روابط جنسی، روابط خویشاوندی، دوستان، فرزندان، خیانت جنسی، مشکلات عاطفی، مشکلات مالی، مشکلات ارتباطی و درگیری‌های شغلی (حسینیان، و شریفی‌نیا، ۱۳۸۴).

1. Steuber

2. Emmons & King

تحقیقات، ارتباط مثبت و معنادار تعارض زناشویی با برخی متغیرهای دیگر را نیز نشان داده‌اند، از جمله تعارض با خویشاوندان (منصوریان، و فخرایی، ۱۳۸۶)، اضطراب و وسواس (شفیعی‌کندجانی، و دیگران، ۱۳۸۶)، افسردگی (کوئن، و دیگران، ۲۰۰۲)، درماندگی روان‌شناختی (بشارت، و دیگران، ۱۳۸۵)، روان‌رنجورخویی و افکار پارانوئیدی (شاهمرادی، و دیگران، ۱۳۹۰)، سوء مصرف مواد (افارل، ۲۰۰۲)، سردردهای میگرنی (ابراهیمی، و دیگران، ۱۳۸۷)، ضعف در روابط همسران (منصوریان، و فخرایی، ۱۳۸۶)، ضعف در مهارت‌های ارتباطی (آلبرت، ۱۹۸۹)، عدم پذیرش انتقاد (رضازاده، ۱۳۸۷)، ضعف در حل تعارض (کوئن، و دیگران، ۲۰۰۲)، فقدان همدلی و درک متقابل (هیل، ۲۰۰۱)، سبک زندگی ناکارآمد (احمدی، و دیگران، ۱۳۸۵)، خشونت زناشویی (بوکوال، ۲۰۰۵)، ناسازگاری زناشویی (آدیس، و برنارد، ۲۰۰۲) و احتمال طلاق (شاهمرادی، و دیگران، ۱۳۹۰). تحقیقاتی نیز ارتباط منفی و معنادار تعارض زناشویی با برخی دیگر از متغیرها را مورد تأیید قرار داده‌اند. از جمله، رضامندی جنسی (موحد، و عزیز، ۱۳۹۰)، سلامت روانی (اوربک، و دیگران، ۲۰۰۶)، هوش هیجانی (صلاحیان، و دیگران، ۱۳۸۹)، سلامت جسمی (افارل، ۱۹۸۹)، شادکامی (نوک، ۱۹۹۵)، رضایت از زندگی (تروکسل، ۲۰۰۶)، سازگاری در انگیزه ازدواج (مولوی، ۱۳۸۱)، سازگاری جنسی (افارل، ۱۹۸۹)، سازگاری در تصمیم‌گیری (مولوی، ۱۳۸۱)، بخشودگی و گذشت (فنجمن، و دیگران، ۲۰۰۷)، حل مسئله (آلبرت، ۱۹۸۹) و تکیه بر نکات مثبت همسر (فینبرگ، و لومن، ۱۹۷۵).

پژوهش‌های بسیاری نیز به بررسی رابطه متغیرهای حوزه زناشویی و دینداری پرداخته‌اند. این تحقیقات، رابطه مثبت و معناداری بین دینداری و مذهبی بودن با رضامندی زناشویی، سازگاری زناشویی، ثبات ازدواج، تقدس‌نگری نسبت به ازدواج، تعهد

1. Coyne & et al
2. Ofarell
3. Alberts
4. Hill
5. Bookwala
6. Addis & Bernard
7. Overbeek & et al
8. Nock
9. Troxel
10. Fincham & et al
11. Fineberg & Lowman



زناشویی، کارکرد خانواده، کیفیت ازدواج، عملکرد ازدواج، همدلی زناشویی، صمیمیت زناشویی و مهارت حل تعارض یافته‌اند. همچنین دریافته‌اند دینداری و مذهبی بودن رابطه‌ای منفی و معنادار با احتمال طلاق (فینبرگ، ولومن، ۱۹۷۵) و تعارض زناشویی (طف آبادی، ۱۳۸۴؛ موهانی، دیگران، ۱۹۹۹؛ مارش، دالوز، ۲۰۰۱؛ باتلر، دیگران، ۲۰۰۲) دارد.

دین و مذهب یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین نهادهایی است که جامعه بشری به خود دیده است، به طوری که هیچ‌گاه بشر خارج از این پدیده زیست نکرده است. (نوابخش، دیگران، ۱۳۸۸) دین می‌تواند در جایگاه نظام پیچیده اجتماعی بر رفتار و بازخوردهای مهم از جمله برنامه‌ریزی، خانواده، کار، چگونگی تفسیر زندگی روزانه و برداشت از امور مختلف تأثیر بسزایی داشته باشد (روحانی، و معنوی پور، ۱۳۸۷). بسیاری از دانشمندان ناراحتی، به خصوص مشکلات روان‌شناختی را در ارتباط با دورافتادگی انسان‌ها از مذهب و دین می‌دانند و معتقدند مذهبی بودن می‌تواند اثر بحران‌های شدید زندگی را تعدیل کند (غرابی، دیگران، ۱۳۸۷).

برای «دین» معانی اصطلاحی متعددی نیز بیان شده است. در تعریف برگزیده، دین مجموعه‌ای از باورهای قلبی و رفتارهای عملی متناسب با آن باورها است. (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۰، ۱۰/۳) مذهب نیز شعبه و زیرشاخه دین محسوب می‌شود. مقصود از مذهب، این است که در میان پیروان یک دین، به دلیل اندیشه‌های ویژه، یا برداشت و تفسیر خاص و جزآن، گروهی خود را از دیگران جدا می‌کنند. از این رو، مشخص می‌شود که پایبندی مذهبی، ناظر به پذیرش شناختی، هیجانی و رفتاری انسان نسبت به مذهب است.

شناسایی برخی اصول اخلاقی و پشتیبانی از اصول اخلاقی و ضمانت اجرایی آنها، از جمله کارکردهای دین شمرده شده است. دین و اعتقاد به عالم دیگر، به حیات مادی انسان معنا و مفهوم دیگری می‌دهد و اصول قابل احترامی مانند ایثار و فداکاری را تقویت می‌کند. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۲) از نگاه پارکمنت و دیگران، (۱۹۹۸) راهکارهای مقابله دینی در انواع شخصی (مانند ایمان و دعا) و اجتماعی (مانند شرکت فعال در مسجد و مطرح ساختن مشکلات با روحانی) یا مثبت (آنهايي که با هیجان‌های مثبت مانند حمایت، دلسوزی یا امید مرتبط

1. Mahoney & et al
2. Marsh & Dallos
3. Butler & et al

می شوند) و منفی (آنهایی که با هیجان های منفی مانند احساس گناه یا ترس از عذاب الهی مرتبط اند) راهکارهای کارآمد افراد مذهبی برای مقابله با تنش های روانی و مشکلات زندگی است. ثمربخشی یا صرف زمان و تلاش برای سودرسانی به دیگران، با بهزیستی بیشتر به ویژه در سنین میانسالی و بالاتر ارتباط دارد (صالحی، و عباسی، ۱۳۸۸).

رابطه دینداری و پایبندی مذهبی، با متغیرهای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش ها، رابطه مثبت و معنادار این متغیر با سلامت روان، شادکامی، سخت رویی، رضایت از زندگی، احساس بهزیستی، حرمت خود، توان مقابله با درد و مهار آن، سرعت بهبود بیماری های جسمی، هوش هیجانی، انضباط اجتماعی، سازش یافتگی، داشتن رابطه متقابل و متعهدانه با دوستان، برخورداری از حمایت اجتماعی، خودباروری و احساس کارآمدی، اعتماد به نفس، عملکرد تحصیلی، هیجان مثبت (مانند خوش خلقی، مهربانی، توجه و آرامش) انعطاف پذیری، کنترل خشم، خودمهارگری و تسلط بر احساس درماندگی را تأیید می کند. همچنین رابطه منفی و معنادار دینداری و پایبندی مذهبی با بحران هویت، اختلال های روانی، مشکلات جسمی، احتمال طلاق، خودکشی، مصرف سیگار، سوء مصرف مواد، پرخاشگری، روان پریش خویی، نوززگرای، بزهکاری و جرم و رابطه جنسی نامشروع در پژوهش ها به اثبات رسیده است. (هراتیان، ۱۳۹۲)

با توجه به نقش متغیر جنسیت، یافته های پژوهشی نشان داده اند که بین باورهای مذهبی زنان و مردان، تفاوت معنادار وجود ندارد (نیکویی، و سیف، ۱۳۸۴؛ هادیان فرد، ۱۳۸۴؛ غرابی، و دیگران، ۱۳۸۷)، ولی برخی محققان (نوابخش، و دیگران، ۱۳۸۸؛ کندلر، و دیگران، ۲۰۰۳)، زنان را پایبندتر از مردان می دانند، برخلاف پژوهش بهرامی احسان و پورنقاش تهرانی (۱۳۸۸) که مردان را مذهبی تر از زنان دانسته اند.

هرچند برخی یافته ها تفاوت معناداری بین نمرات تعارض زناشویی همسران نیافتند (علی مردانی، و دیگران، ۱۳۸۹؛ گلاسر، و دیگران، ۲۰۰۵؛ نیالر موری، و دیگران، ۲۰۰۷)، برخی به این نتیجه رسیدند که در موقعیت های تعارض زناشویی، زنان نمرات بالاتری را نشان می دهند و ابعاد منفی

1. Kendler & et al

2. Glaser & et al

3. Nealey-Moore & et al



روانی و جسمی تعارضات زناشویی را تجربه می‌کنند (وینس، و کالیک، ۲۰۱۱). پژوهش لونسون و دیگران (۱۹۹۳) نشان داد که تعارضات زناشویی، تأثیرات منفی بیشتری در حوزه سلامت روانی و جسمی بر زن‌ها نسبت به شوهرها می‌گذارد (وینس و کالیک، ۲۰۱۱). تحقیق نالرو و فیتزپاتریک (۱۹۹۰) نیز به این نتیجه دست یافت که زنان، تجربه تعارض بیشتری از روابط منفی زناشویی و پرخاشگری‌های زناشویی دارند. مطالعات گلاسرو نیوتن (۲۰۰۱) نیز نشان داد که زن‌ها بیشتر تحت تأثیر منفی تعارضات زناشویی قرار می‌گیرند.

پژوهش حاضر در پی مطالعات انجام شده درباره نقش دین و دینداری در تعارض زناشویی همسران شکل گرفته و هدف آن، کشف رابطه پایبندی مذهبی و تعارض زناشویی و بررسی نقش جنسیت در این دو متغیر است. بنابراین، این پژوهش به دنبال آزمودن این فرضیه‌ها است:

۱. میان پایبندی مذهبی و تعارض زناشویی زوجین، همبستگی معناداری وجود دارد.
۲. میان نمرات تعارض زناشویی زنان و شوهران، تفاوت معناداری وجود دارد.
۳. میان نمرات پایبندی مذهبی زنان و شوهران، تفاوت معناداری وجود دارد.

۲. روش تحقیق

در بخش اول این پژوهش، از روش پیمایشی استفاده شده است. پایبندی مذهبی عاملی است که می‌تواند بر متغیر وابسته (تعارض زناشویی) تأثیر بگذارد و در این پژوهش به مثابه متغیر مستقل در نظر گرفته می‌شود. در بخش دوم، با کاربرد طرح علی-مقایسه‌ای به بررسی تفاوت میزان پایبندی مذهبی و تعارض زناشویی بین زوجین (زن و شوهر) پرداخته شده است.

۱-۲. جامعه آماری، گروه نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه پژوهش، همسران ساکن در استان سمنان بودند که سن ازدواج آنها بیش از یک سال بود. با توجه به آمار مرکز آمار ایران (۱۳۹۱) از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، تعداد خانوارهای استان سمنان، ۱۸۶۳۵۸ است. نمونه مورد پژوهش، با استفاده از

روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای گردآوری شد. در مرحله اول، چهار شهر از شهرهای استان به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس در هر شهر پس از فراخوان، به صورت تصادفی از میان داوطلبان، افرادی برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند که پس از کنار گذاشتن پرسش‌نامه‌های ناقص، اطلاعات ۳۹۱ زوج (۷۸۲ نفر) وارد بخش تحلیل گردید.

۲-۲. ابزارهای پژوهش

۲-۲-۱. پرسش‌نامه پایبندی مذهبی (RAQ) جان بزرگی

این پرسش‌نامه برای سنجش رفتارهای دینی و میزان پایبندی مذهبی افراد در جوامع اسلامی و براساس گزاره‌های قرآن کریم و نهج‌البلاغه (خطبه همام) درباره ویژگی‌های مؤمنان ساخته شده است. نمونه یکصد سؤالی این ابزار با ۲۶۸ آزمودنی دانشجوی برای استفاده با آلفای کرونباخ ۷۷٪ مورد استفاده قرار گرفت. پس از جداسازی ۴۰ پرسش آزمون اضطراب کنترل، یک ابزار ۶۰ سؤالی فقط برای سنجش پایبندی مذهبی به دست آمد. (جان بزرگی، ۱۳۸۸) جان بزرگی این پرسش‌نامه را دارای سه خرده‌مقیاس می‌داند:

الف) پایبندی مذهبی؛ یعنی فرد بدون تردید براساس معیارهای مذهبی رفتار خود را تنظیم می‌کند و تلاش می‌کند که همه رفتارهایش را براساس مذهب طراحی کند، مناسب مذهبی را به جا آورد، از اشتباهاتش توبه کند، روابطش را براساس اصول اسلامی تنظیم کند و اهل ذکر و مناجات است.

ب) ناپایبندی مذهبی؛ یعنی فرد هیچ تعهدی به تنظیم رفتارها براساس اصول یا دستورالعمل‌های مذهبی ندارد. در این عامل، فاصله فرد از معیارهای تعیین شده روشن است.

ج) دوسوگرایی مذهبی؛ یعنی فرد همواره نگران و در حالت تردید مذهبی به سر می‌برد؛ بین کردار و گفتارش ناهماهنگی وجود دارد، در برابر سختی‌ها کم‌تحمیل است، احساس خوبی نسبت به خود و رابطه خود با خدا ندارد، از اعمال مذهبی خود ناراضی است، فقط در سختی‌ها به خدا پناه می‌برد، میزان ناهشیاری یا غفلت او زیاد و در زندگی دارای اشتباه‌های تکراری است.

جان بزرگی (۱۳۸۸) با استفاده از روش تحلیل عاملی مشاهده کرد که روایی سازه این آزمون،

معادل ۰/۸۱۶ است. پایایی هریک از مقیاس‌های پایبندی مذهبی، دوسوگرایی و ناپایبندی مذهبی به ترتیب ۰/۸۷۸، ۰/۶۸۷، ۰/۷۲۵ و میانگین پایایی همه خرده‌مقیاس‌ها ۰/۷۶۳ است. پاسخ‌ها به شکل لیکرتی است که ضمن ارایه نمره هر عامل، نمره کلی پایبندی نیز قابل محاسبه است که با معکوس کردن سؤال‌های گویه‌های مربوط به عامل اول و دوم به دست می‌آید. نمرات همه گویه‌ها مستقیم بوده و فقط گویه ۳۵ معکوس نمره‌گذاری می‌شود. (جان‌بزرگی، ۱۳۸۸)

۲-۲-۲. فرم تجدیدنظرشده «پرسش‌نامه تعارض‌های زناشویی» (MCQ-R)

این فرم، ابزار گردآوری اطلاعات مربوط به متغیر تعارض زناشویی است. این پرسش‌نامه، ابزاری ۵۴ پرسشی است و هشت بُعد از تعارضات زناشویی را می‌سنجد که عبارتند از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر. برای هر پرسش، پنج گزینه در نظر گرفته شده که به تناسب یک برای «هرگز» تا پنج برای «همیشه»، نمره به آنها اختصاص داده شده است. حداکثر نمره کل پرسش‌نامه ۲۷۰ و حداقل آن ۵۴ است. در این ابزار، نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنی رابطه بهتر و تعارض کمتر است. آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه روی یک گروه ۲۷۰ نفری برابر با ۰/۹۶ به دست آمد و برای هشت خرده‌مقیاس آن از این قرار است: کاهش همکاری ۰/۸۱، کاهش رابطه جنسی ۰/۶۱، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۰، افزایش جلب حمایت فرزندان ۰/۳۳، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۸۶، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۸۹، جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۷۱، کاهش ارتباط مؤثر ۰/۶۹. (ثنایی و دیگران، ۱۳۸۷)

۳. یافته‌های پژوهش

اطلاعات جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد که تحصیلات دیپلم (۳۹/۴٪) و لیسانس (۲۴/۹٪) دارای بیشترین فراوانی در میان شرکت‌کنندگان است و اغلب افراد (۷۸/۳٪)

نحوه آشنایی خود را خواستگاری رسمی اعلام نمودند. بیشتر همسران شرکت‌کننده، بدون فرزند (۳۳/۴٪) یا دارای یک فرزند (۴۱/۲٪) بودند.

در جدول شماره ۱، میانگین و انحراف استاندارد، نمرات زوجین شرکت‌کننده (۳۹۱ زوج، معادل ۷۸۲ نفر) در مقیاس‌های پایبندی مذهبی، تعارض زناشویی و زیرمقیاس‌های آنها آمده است. به نظر می‌رسد میانگین و پراکندگی نمرات زنان و مردان از میزان مشابهی برخوردار است.

جدول شماره ۱: ویژگی‌های توصیفی نمرات پایبندی مذهبی به تفکیک جنسیت

بیشینه	کمینه	SD	M	جنسیت	متغیر	
۸۸	۳۸	۸/۸۹	۷۲/۰۵	مرد	پایبندی مذهبی	پایبندی مذهبی
۸۸	۳۸	۷/۵۱	۷۴/۳۲	زن		
۷۳	۲۸	۹/۱۶	۵۱/۳۲	مرد	دوسوگرایی مذهبی	
۷۶	۲۶	۸/۹۴	۵۱/۵۷	زن		
۶۰	۱۹	۷/۸۷	۳۹/۳۶	مرد	ناپایبندی مذهبی	
۶۱	۱۷	۷/۴۱	۳۶/۹۴	زن		
۱۳۷	۵۹	۱۵/۲۷	۹۹/۳۲	مرد	نمره کل پایبندی	
۱۴۱	۶۲	۱۴/۵۷	۱۰۱/۴۸	زن		
۱۴۱	۵۹	۱۴/۹۵	۱۰۰/۴۰	کل		
۲۱	۵	۳/۳۵	۹/۲۲	مرد	کاهش همکاری	
۱۹	۵	۲/۸۱	۸/۳۰	زن		
۲۰	۵	۳/۰۹	۹/۵۹	مرد	کاهش رابطه جنسی	
۲۰	۵	۳/۱۳	۹/۹۶	زن		
۲۲	۳۱	۳/۷۳	۱۷/۲۳	مرد	افزایش واکنش هیجانی	
۳۲	۱۱	۴/۰۳	۱۸/۷۲	زن		
۱۹	۵	۳/۰۳	۹/۷۴	مرد	افزایش جلب حمایت فرزند	
۲۱	۵	۳/۲۶	۱۰/۱۳	زن		
۲۴	۶	۳/۷۱	۹/۴۵	مرد	افزایش رابطه با فامیل خود	
۱۹	۶	۳/۲۷	۹/۱۹	زن		
۲۷	۶	۳/۷۷	۹/۲۲	مرد	کاهش رابطه با فامیل همسر	
۲۲	۶	۳/۴۵	۹/۵۱	زن		
۳۰	۷	۳/۴۰	۱۴/۴۶	مرد	جدا کردن امور مالی	
۳۲	۷	۳/۹۹	۱۳/۱۱	زن		
۴۵	۱۳	۶/۴۲	۲۵/۹۲	مرد	کاهش ارتباط مؤثر	
۴۹	۱۲	۷/۰۲	۲۷/۹۹	زن		
۱۷۴	۶۸	۲۲/۸۸	۱۰۵/۴۸	مرد	نمره کل تعارض	
۱۶۶	۶۷	۲۱/۹۶	۱۰۶/۹۱	زن		
۱۷۴	۶۷	۲۲/۴۲	۱۰۶/۱۹	کل		

برای بررسی فرضیه اول، از روش همبستگی استفاده شد. در جدول شماره ۲، ماتریس همبستگی میان نمره کل و زیرمقیاس‌های تعارض زناشویی و پایبندی مذهبی و زیرمقیاس‌های آن ارایه شده است. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد و در جدول نیز آمده است، میان نمره کل پایبندی مذهبی با نمره کل تعارض زناشویی، رابطه معنادار، معکوس و با شدت متوسط به دست آمد. ($P > 0/01$ و $r = -0/428$) هریک از زیرمقیاس‌های پایبندی مذهبی نیز با نمره کل تعارض زناشویی، دارای همبستگی معنادار است که جزئیات آن در جدول شماره ۲ بیان شده است.

همچنین همبستگی معنادار میان هریک از زیرمقیاس‌های تعارض زناشویی، با نمره کل پایبندی مذهبی در دامنه‌ای بین $r = -0/206$ تا $r = -0/363$ ، بیانگر رابطه معکوس و ضعیف تا متوسط میان پایبندی مذهبی با هریک از زیرمقیاس‌های مذکور است. هریک از زیرمقیاس‌های پایبندی مذهبی نیز با نمره کل تعارض زناشویی و زیرمقیاس‌های آن، دارای همبستگی معنادار است که جزئیات آن در جدول شماره ۲ بیان شده است.

جدول شماره ۲: ماتریس همبستگی میان نمره کل و زیرمقیاس‌های پایبندی مذهبی با

تعارض زناشویی

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱. کاهش همکاری	۱												
۲. کاهش رابطه جنسی	-0/468**	۱											
۳. افزایش واکنش هیجانی	-0/365**	-0/469**	۱										
۴. افزایش جلب حمایت فرزند	-0/318**	-0/336**	-0/258**	۱									
۵. افزایش رابطه با فامیل خود	-0/588**	-0/473**	-0/464**	-0/443**	۱								
۶. کاهش رابطه با فامیل همسر	-0/554**	-0/453**	-0/488**	-0/408**	-0/692**	۱							
۷. جداکردن امور مالی	-0/469**	-0/331**	-0/282**	-0/327**	-0/495**	-0/472**	۱						

					۱	۰/۳۷۰ **	۰/۵۰۳ **	۰/۵۰۶ **	۰/۲۷۸ **	۰/۴۷۵ **	۰/۴۷۰ **	۰/۴۹۶ **	۸. کاهش ارتباط مؤثر
				۱	۰/۷۸۶ **	۰/۶۵۲ **	۰/۷۸۹ **	۰/۸۰۱ **	۰/۵۵۵ **	۰/۶۷۴ **	۰/۶۸۲ **	۰/۷۲۹ **	۹. نمره کل تعارض زناشویی
			۱	۰/۳۳۵ **	۰/۲۲۷ **	۰/۲۵۳ **	۰/۳۲۰ **	۰/۳۰۴ **	۰/۱۲۳ **	۰/۱۸۲ **	۰/۱۹۵ **	۰/۳۳۰ **	۱۰. پابندی مذهبی
		۱	۰/۱۷۷ **	۰/۳۹۵ **	۰/۳۶۴ **	۰/۱۶۹ **	۰/۳۰۳ **	۰/۲۹۸ **	۰/۱۷۳ **	۰/۳۲۶ **	۰/۲۴۳ **	۰/۳۲۷ **	۱۱. دوسوگرایی مذهبی
	۱	۰/۵۸۶ **	۰/۴۲۰ **	۰/۳۶۶ **	۰/۲۷۵ **	۰/۲۴۰ **	۰/۳۱۳ **	۰/۳۳۶ **	۰/۱۹۶ **	۰/۱۹۸ **	۰/۲۱۳ **	۰/۳۱۸ **	۱۲. ناپابندی مذهبی
۱	۰/۸۷۲ **	۰/۹۰۸ **	۰/۳۲۴ **	۰/۴۲۸ **	۰/۳۶۲ **	۰/۲۲۲ **	۰/۳۴۶ **	۰/۳۵۴ **	۰/۲۰۶ **	۰/۲۹۹ **	۰/۲۵۷ **	۰/۳۶۳ **	۱۳. نمره کل پابندی مذهبی

**P < ۰/۰۱

برای بررسی فرضیه دوم و سوم؛ یعنی تفاوت نمرات کل و خرده‌مقیاس‌های تعارض زناشویی و پابندی مذهبی در دو جنس، با توجه به روایی مفروضه‌های آماری برای تحلیل واریانس یک‌راهه (نظیر نرمال بودن توزیع نمرات براساس نتایج آزمون کولموگراف اسمیرنوف (P > ۰/۰۵) همگنی واریانس متغیرها در دو گروه زنان و مردان (P > ۰/۰۵) فاصله‌ای بودن نمرات و تصادفی بودن انتخاب شرکت‌کنندگان (هومن، ۱۳۸۹، ۳۸۴ و ۳۸۵)) از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد.

در جدول شماره ۳، نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه، برای مقایسه هریک از زیرمقیاس‌ها و نمره کل تعارض زناشویی به تفکیک در زوجین ثبت شده است. از آنجا که نُه متغیر وابسته در این پژوهش وجود دارد، برای اجرای تصحیح بنفرونی ۰/۰۵ بر نُه تقسیم می‌شود که حاصل آن ۰/۰۰۵ است. بنابراین، با توجه به این سطح معناداری، زیرمقیاس‌های کاهش همکاری، افزایش واکنش هیجانی، جدا کردن امور مالی و ارتباط مؤثر در زوجین تفاوت معناداری با هم دارند، به طوری که کاهش همکاری و جدا کردن امور مالی در مردان و افزایش واکنش هیجانی و ارتباط مؤثر در زنان بیشتر است.

جدول شماره ۳: آزمون تحلیل واریانس یک راهه برای مقایسه نمره کل و زیرمقیاس های

تعارض زناشویی در زوجین

منبع	متغیر	SS	df1	df2	MS	F	P	PES
جنسیت	کاهش همکاری	۱۶۶/۶۵۱	۱	۷۸۰	۱۶۶/۶۵۱	۱۷/۴۵۱	۰/۰۰۰	۰/۰۲۲
	کاهش رابطه جنسی	۲۶/۱۵۰	۱	۷۸۰	۲۶/۱۵۰	۲/۷۰۳	۰/۱۰۱	۰/۰۰۳
	افزایش واکنش هیجانی	۴۳۶/۱۳۳	۱	۷۸۰	۴۳۶/۱۳۳	۲۸/۹۱۹	۰/۰۰۰	۰/۰۳۶
	افزایش جلب حمایت فرزندان	۲۹/۵۴۵	۱	۷۸۰	۲۹/۵۴۵	۲/۹۷۵	۰/۰۸۵	۰/۰۰۴
	افزایش رابطه با فامیل خود	۱۳/۳۰۴	۱	۷۸۰	۱۳/۳۰۴	۱/۰۸۸	۰/۲۹۷	۰/۰۰۱
	کاهش رابطه با فامیل همسر	۱۵/۷۵۶	۱	۷۸۰	۱۵/۷۵۶	۱/۲۰۵	۰/۲۷۳	۰/۰۰۲
	جدا کردن امور مالی	۳۵۵/۱۵۲	۱	۷۸۰	۳۵۵/۱۵۲	۲۲/۲۶۶	۰/۰۰۰	۰/۰۲۸
	کاهش ارتباط مؤثر	۳۹۸/۱۶۴	۱	۷۸۰	۳۹۸/۱۶۴	۸/۷۹۱	۰/۰۰۳	۰/۰۱۱
	نمره کل تعارض	۳۹۸/۱۶۴	۱	۷۸۰	۳۹۸/۱۶۴	۰/۷۹۲	۰/۳۷۴	۰/۰۰۱

در جدول شماره ۴، نتایج آزمون تحلیل واریانس یک راهه برای مقایسه هریک از زیرمقیاس ها و نمره کل پایبندی مذهبی به تفکیک در زوجین ارایه شده است. از آنجا که این پژوهش چهار متغیر وابسته دارد، برای اجرای تصحیح بنفرونی ۰/۰۵ بر چهار تقسیم می شود که حاصل آن ۰/۰۱ است. بنابراین، با توجه به این سطح معناداری، زیرمقیاس های پایبندی و ناپایبندی در زوجین، تفاوت معناداری با هم دارند، به طوری که زیرمقیاس پایبندی در زنان و ناپایبندی در مردان بیشتر است.

جدول شماره ۴: آزمون تحلیل واریانس یک راهه برای مقایسه نمره کل و زیرمقیاس های پایبندی

مذهبی در زوجین

منبع	متغیر	SS	df1	df2	MS	F	P	PES
جنسیت	پایبندی مذهبی	۱۰۱۰/۶۴۱	۱	۷۸۰	۱۰۱۰/۶۴۱	۱۴/۹۱۴	۰/۰۰۰	۰/۰۱۹
	دوسوگرایی	۱۲/۰۳۲	۱	۷۸۰	۱۲/۰۳۲	۰/۱۴۷	۰/۷۰۲	۰/۰۰۰
	ناپایبندی مذهبی	۱۱۴۱/۹۷۶	۱	۷۸۰	۱۱۴۱/۹۷۶	۱۹/۵۵۱	۰/۰۰۰	۰/۰۲۴
	نمره کل پایبندی	۹۱۹/۵۷۰	۱	۷۸۰	۹۱۹/۵۷۰	۴/۱۲۸	۰/۰۴۳	۰/۰۰۵

۴. بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی رابطه پایبندی مذهبی و تعارض زناشویی و نقش جنسیت در این متغیرها انجام شده است. آزمون فرضیه اول نشان داد که میان نمرات کل و زیرمقیاس‌های پایبندی مذهبی و تعارض زناشویی، رابطه معناداری وجود دارد. رابطه منفی نمره کل و زیرمقیاس پایبندی مذهبی و رابطه مثبت زیرمقیاس‌های ناپایبندی و دوسوگرایی مذهبی با نمره کل و زیرمقیاس‌های تعارض زناشویی، همسو با پژوهش‌های لطف‌آبادی (۱۳۸۴) ماهونی و دیگران (۱۹۹۹) مارش و دالاس (۲۰۰۱) و باتلر و دیگران (۲۰۰۲) است. در تبیین این یافته می‌توان گفت مذهب می‌تواند بر دیدگاه فکری زوجین تأثیر بگذارد؛ زیرا احتمال اینکه افراد مذهبی‌تر، ازدواج خود را دارای کیفیت معنوی ببینند، بیشتر است. (خدایاری‌فرد... و دیگران، ۱۳۸۶) مطالعه ماهونی و دیگران (۱۹۹۹) بر روی ۹۷ زوج که نماینده تنوع مذهبی زوج‌های آمریکایی بودند، نشان داد آنها مفهوم تقدس را در مورد ازدواج خود به کار می‌برند؛ بدین معنی که چنین تصور می‌کردند که ازدواج آنها محتوایی معنوی دارد. این پژوهش نتیجه گرفت هرگاه تعارض خانوادگی بر سر موضوعی خاص شکل می‌گیرد، مذهب می‌تواند با مفاهیم معنوی، ارزش‌های مذهبی مشترک و تأکید بر مفاهیمی مانند تقدس ازدواج، اختلاف نظر افراد را تعدیل کند و مسیر حل تعارضات زناشویی را هموار سازد. لطف‌آبادی (۱۳۸۴) نیز نتیجه گرفت اگر زوجین به معنوی بودن ازدواج خود، اعتقاد عمیقی داشته باشند، تعارضات می‌تواند ترس روانی از دست دادن رابطه با خداوند و احساس گناه را با خود به همراه داشته باشد. از این رو، سعی در حفاظت از زندگی مشترک خود دارند. ماهونی و دیگران (۲۰۰۳) معتقدند که مذهب به این دلیل می‌تواند نقش مثبتی در روابط خانوادگی ایفا کند که راهنمایی‌هایی کلی در اختیار بشر قرار می‌دهد و اگر انسان‌ها بدان عمل کنند، منجر به استحکام پیوند زناشویی می‌گردد. این راهنمایی‌ها شامل قوانینی در مورد روابط جنسی، نقش‌های جنسیتی، از خودگذشتگی و حل تعارضات در روابط زناشویی می‌باشند (خدایاری‌فرد... و دیگران، ۱۳۸۶).

تبیین هانلر و گنکورز (۲۰۰۵) نیز این است که مذهب شامل رهنمودهایی برای زندگی و آرایه‌دهنده سامانه باورها و ارزش‌ها است. این ویژگی‌ها می‌توانند بر زندگی زناشویی تأثیر



بگذارند و از نگاه ماهونی (۲۰۰۵) اینکه افراد، ازدواج را با باور مسؤولیتی برای تمام عمر، مهرورزی به یکدیگر، فراهم آوردن اسباب آرامش هم و وفاداری و تعهد به همسر، چگونه بر مبنای مذهب تفسیر می‌کنند، تأثیرپذیری روابط زناشویی از مذهب را نشان می‌دهد. (دانش، ۱۳۸۹)

آزمون فرضیه دوم با تحلیل واریانس یک‌راهه نشان داد تفاوت نمرات زیرمقیاس‌های کاهش همکاری، افزایش واکنش هیجانی، جدا کردن امور مالی و ارتباط مؤثر در زوجین، تفاوت معناداری با هم دارند، به طوری که کاهش همکاری و جدا کردن امور مالی در مردان و افزایش واکنش هیجانی و ارتباط مؤثر در زنان بیشتر است. این یافته در مورد افزایش واکنش هیجانی و ارتباط مؤثر، ناهمسو با پژوهش علی‌مردانی و دیگران (۱۳۸۹) و برخی تحقیقات دیگر (گلاسر، و دیگران، ۲۰۰۵؛ نیلموری، و دیگران، ۲۰۰۷) همسو با پژوهش‌های ونیک و کولیک (۲۰۱۱) و برخی مطالعات دیگر (لویسون، و دیگران، ۱۹۹۳؛ نیلر، و فیتزپاتریک، ۱۹۹۰؛ گلاسر، و نیوتن، ۲۰۰۱) است. در تبیین این یافته، فالکنر (۲۰۰۲) معتقد است زنان نسبت به شوهران، تمایل بیشتری به ارتباطات بین فردی و عملکردهای ارتباطی دارند. آنها نسبت به امنیت ارتباط و وجود اعتماد در رابطه، حساس‌ترند. ضمن اینکه زنان نسبت به شوهران، اهمیت بیشتری به تعهد زناشویی می‌دهند (فالکنر، ۲۰۰۲) و تعارض زناشویی، نشانگر ضعیف شدن این تعهد است. کیکالت‌گلاسر و نیوتن (۲۰۰۱) نیز معتقدند از آنجا که خود بازنمایی‌های زن‌ها تأثیر زیادی از روابط با دیگران می‌گیرد، آنها بیش از شوهرانشان تحت تأثیر تعارضات زناشویی قرار دارند (وانیک، و کالیک، ۲۰۱۱). زنان چون عاطفی‌ترند، از هیجانات سریع‌تر تأثیر می‌پذیرند و راحت‌تر عواطف خود را آشکار می‌کنند. (کریمی، ۱۳۹۰) زنان، بیشتر شوهران را تحت تأثیر بخش هیجانی تعارضات قرار می‌دهند و واکنش هیجانی نشان می‌دهند. این پژوهش‌ها، به صورت معکوس، همسو و ناهمسو با یافته به دست آمده در مورد کاهش همکاری و جدا کردن امور مالی است. افزون بر این تبیین‌ها، می‌توان مسایل مالی را از جمله ابزارهای قدرت و مدیریت مرد در خانواده دانست که در شرایط تعارض، به اشتراک گذاشتن این ابزار قدرت، به کمترین میزان می‌رسد. کاهش توان در نظر گرفتن ویژگی‌های مثبت همسر (فینبرگ، و لومن، ۱۹۷۵)، افت بخشودگی و گذشت (صلاحیان، و دیگران، ۱۳۸۹؛ فینچمن، و دیگران، ۲۰۰۷)، ضعف ارتباطی مردان

نسبت به زنان و خودخواهی بیشتر مردان (در مقابل دیگرخواهی بیشتر زنان) (کریمی، ۱۳۹۰، ۱۴۱) از جمله دلایلی است که می‌توان برای کاهش همکاری شوهر در موقعیت تعارض بیان نمود.

آزمون فرضیه سوم، با تحلیل واریانس یک راهه نشان داد که تفاوت زیرمقیاس‌های پایبندی و ناپایبندی مذهبی بین زنان و شوهران، معنادار است؛ بدین معنی که زیرمقیاس پایبندی مذهبی در میان زنان و نمره زیرمقیاس ناپایبندی مذهبی در میان شوهران بیشتر است. این یافته، همسو با پژوهش‌های نوابخش و دیگران (۱۳۸۸) و کندلرو دیگران (۲۰۰۳) و ناهمسو با پژوهش‌های نیکویی و سیف (۱۳۸۴)، هادیان فرد (۱۳۸۴)، غرابی و دیگران (۱۳۸۷) و بهرامی احسان و پورنقاش تهرانی (۱۳۸۸) است. در تبیین این یافته می‌توان گفت به نظر می‌رسد به علت برخورداری زنان از ظرفیت‌های عاطفی بیشتر، (کریمی، ۱۳۹۰) آنها پیوند عمیق‌تری با مناسک مذهبی ایجاد می‌کنند. از این رو، نمره پایبندی ایشان نسبت به مردان، افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد مردان به دلیل خودگرایی بیشتر و شکل‌گیری هویت آنان بر اساس استقلال، رقابت و فردیت، (کریمی، ۱۳۹۰، ۱۳۹) اغلب «رفتار درست» (مانند رفتارهای دینی) را رفتاری می‌دانند که بقای هیجانی و مادی بیشتری در پی داشته باشد. (سیدان، محمدی، ۱۳۸۸، ۸۳) این امر موجب می‌شود که نمره بیشتری در ناپایبندی مذهبی داشته باشند.

از محدودیت‌های این پژوهش، اجرا و بررسی متغیرهای پژوهش در استان سمنان است. از این رو، به دلیل تفاوت‌های فردی و فرهنگی - اجتماعی باید برای تعمیم نتایج به سایر مناطق، جانب احتیاط را رعایت کرد.

در این پژوهش، نقش متغیرهای تأثیرگذار بر پایبندی مذهبی مانند جهت‌گیری مذهبی و مرحله تحول روانی - معنوی افراد لحاظ نشده است. از این رو، به سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌های آتی، اثر تعاملی این مؤلفه‌ها را در تعارض زناشویی مطالعه کنند.



فهرست منابع

۱. ابراهیمی، امرالله، و دیگران (۱۳۸۷). رابطه تعارضات زناشویی و برخی عوامل جمعیت شناختی با شانس ابتلا به سردردهای میگرنی. *نشریه دانشکده پزشکی اصفهان*، ۸۹(۲۶)، ۱۱۲-۱۱۸.
۲. احمدی، خدابخش، و دیگران (۱۳۸۵). مقایسه اثربخشی دو روش مداخله‌ای تغییر شیوه زندگی و حل مشکل خانوادگی و کاهش ناسازگاری زناشویی. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۱۷(۵)، ۳۷-۹.
۳. بشارت، محمدعلی، و دیگران (۱۳۸۵). تبیین رضایت زناشویی و سلامت روانی برحسب سبک‌های مقابله. *نشریه روانشناسی معاصر*، ۱(۱)، ۴۸-۵۶.
۴. بهرامی احسان، هادی، و پورنقاش تهرانی، سعید (۱۳۸۸). رابطه ابعاد شخصیت و جهت‌گیری مذهبی، نشریه *روان‌شناسی (دانشگاه تبریز)*، ۱۳(۴)، ۱-۱۴.
۵. ثنائی، باقر، و دیگران (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: بعثت.
۶. جان بزگی، مسعود (۱۳۸۸). ساخت و اعتباریابی آزمون پایبندی مذهبی بر اساس گزاره‌های قرآن و نهج البلاغه، *نشریه مطالعات اسلام و روانشناسی*، ۵(۳)، ۷۹-۱۰۵.
۷. حسینیان، سیمین، و شریفی نیا، اعظم (۱۳۸۴). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های حل تعارض بر کاهش تعارض‌های زناشویی زنان. *نشریه اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۴(۱)، ۷-۲۲.
۸. خدایاری فرد، محمد، و دیگران (۱۳۸۶). رابطه نگرش مذهبی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل، *نشریه خانواده پژوهی*، ۱۰(۳)، ۶۱۱-۶۲۰.
۹. دانش، عصمت (۱۳۸۹). افزایش سازگاری زناشویی زوج‌های ناسازگار با مشاوره از چشم‌اندازی اسلامی، *نشریه مطالعات روان‌شناختی*، ۲(۶)، ۱۶۷-۱۸۶.
۱۰. رضازاده، محمدرضا (۱۳۸۷). رابطه مهارت‌های ارتباطی و سازگاری زناشویی در دانشجویان. *نشریه روانشناسی معاصر*، ۱(۳)، ۴۳-۵۰.
۱۱. روحانی، عباس، و داود، معنوی پور (۱۳۸۷). رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه. *نشریه دانش و پژوهش در روانشناسی*، ۳۵ و ۳۶(۳)، ۸۹-۲۰۶.
۱۲. سپهریان آذر، فیروزه، و قلاوندی، حسن (۱۳۹۰). تأثیر آموزش تیپ‌های شخصیت‌انیه‌گرم بر کاهش تعارضات زناشویی. *نشریه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۲(۱)، ۱۶۱-۱۷۰.
۱۳. سعیدی، لیلیا، و دیگران (۱۳۸۵). بررسی اثربخشی زوج‌درمانی کوتاه مدت راه‌حل‌محور بر کاهش تعارضات زوجین شهرستان خمینی شهر اصفهان. *نشریه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۲۰(۵)، ۳۹-۵۲.
۱۴. سیاوشی، حسین، و نوایی نژاد، شکوه (۱۳۸۴). رابطه بین الگوهای ارتباط زناشویی و باورهای غیرمنطقی دلبیران دبیرستان‌های ملایر. *نشریه پژوهش‌های مشاوره تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۱۵(۴)، ۹-۳۴.
۱۵. سیدان، فریبا، و محمدی، خدیجه (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر میزان تعهد اجتماعی زنان و مردان شاغل. *نشریه خردنامه همنشهری*، ۳۹(۵)، ۸۰-۹۰.
۱۶. سیف، علی اکبر (۱۳۸۷). *اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی*. تهران: دوران.
۱۷. شاهمرادی، سمیه، و دیگران (۱۳۹۰). پیش‌بینی تعارض زناشویی از طریق ویژگی‌های شخصیتی. *روانی و جمعیت‌شناختی زوج‌ها*. *نشریه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۲(۱)، ۳۳-۴۴.
۱۸. شفیع‌کدکنی جانی، علیرضا، و دیگران (۱۳۸۶). بررسی همبستگی آسیب‌شناسی روانی زنان و رضایت‌مندی زناشویی. *نشریه پژوهنده*، ۱۲(۹)، ۴۸۳-۴۹۰.
۱۹. صالحی، مبین، و عباسی، مهدی (۱۳۸۸). بهزیستی از دیدگاه دین و روانشناسی (ترجمه و نقد مقاله ویلیام سی. کامتور تامسون). *نشریه روانشناسی و دین*، ۲(۲)، ۱۹۶-۲۰۵.
۲۰. صلاحیان، افشین، و دیگران (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و بخشودگی با تعارضات زناشویی. *نشریه مطالعات روانشناختی*، ۲(۶)، ۱۱۵-۱۴۰.
۲۱. علی مردانی، صدیقه، و دیگران (۱۳۸۹). مقایسه اثربخشی فرآیند داوری و مشاوره خانواده بر کاهش تعارض زوجین مراجعه‌کننده به دادگاه‌های خانواده شهر اصفهان. *نشریه جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲(۲۱)، ۱۶۸-۱۳۷.
۲۲. غرابی، بنفشه، و دیگران (۱۳۸۷). بررسی ارتباط سلامت روان با مذهب درونی و بیرونی در شهر کاشان. *نشریه پژوهش‌های نوین روانشناختی (دانشگاه تبریز)*، ۱۰(۳)، ۵۹-۸۳.
۲۳. فرح‌بخش، کیومرث، و دیگران (۱۳۸۵). مقایسه میزان اثربخشی مشاوره زناشویی به شیوه شناختی الیس. واقعیت‌درمانی گلاسرو اختلاطی از آن دو در کاهش تعارض‌های زناشویی. *نشریه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۱۸(۵)، ۳۳-۵۸.

۲۴. قدردان قراملکی، محمدحسن (۱۳۸۲). کارکرد دین در انسان و جامعه. *نشریه قیاسات*، ۲۸(۸)، ۱۶۰-۱۷۵.
۲۵. کریمی، حمید (۱۳۹۰). تفاوت‌های زن و مرد از نگاه دین و روان‌شناسی. *مجموعه مقالات همایش جنسیت از نظر دین و روانشناسی*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
۲۶. لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۴). جستجوی مبانی نظری سنجش ویژگی‌های معنوی درمان‌جویان در تعامل با درمانگران. *گزیده مقالات همایش مبانی نظری و روان‌سنجی مقیاس‌های دینی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۷. مرکز آمار ایران (۱۳۹۱). *گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰*. تهران: نشر مرکز آمار ایران.
۲۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). *پرسش‌ها و پاسخ‌ها*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
۲۹. منصوریان، محمدکریم، و فخرايي، سبروس (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی تعارضات همسران در خانواده‌های شهر شیراز. *نشریه تحقیقات زنان*، ۱۱(۱)، ۷۵-۱۱۳.
۳۰. موحد، مجید، و عزیزی، طاهره (۱۳۹۰). مطالعه رابطه رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران. *نشریه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ۲(۹)، ۱۹۱-۲۱۷.
۳۱. مولوی، حسین (۱۳۸۱). *شناسایی عوامل خطر و پیش‌بینی احتمال ناسازگاری در ازدواج*. *نشریه علوم/انسانی دانشگاه الزهراء*، ۴۲(۱۲)، ۱۸۹-۲۰۸.
۳۲. نوابخش، مهرداد، و دیگران (۱۳۸۸). بررسی میزان پایبندی مذهبی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار. *نشریه پژوهش‌نامه علوم/اجتماعی*، ۳(۳)، ۶۱-۹۱.
۳۳. نیکویی، مریم، و سیف، سوسن (۱۳۸۴). بررسی رابطه دینداری با رضایت‌مندی زناشویی. *نشریه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۱۳(۴)، ۶۱-۷۹.
۳۴. هادیانفرد، حبیب (۱۳۸۴). احساس ذهنی بهزیستی و فعالیت‌های مذهبی در گروهی از مسلمانان. *نشریه روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)*، ۲(۱۱)، ۲۲۴-۲۳۲.
۳۵. هراتیان، عباس‌علی (۱۳۹۲). *رابطه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و باورهای غیرمنطقی با تعارض زناشویی با توجه به پایبندی مذهبی زوجین*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام. قم.
۳۶. هومن، حیدرعلی (۱۳۸۹). *استنباط آماری در پژوهش رفتاری*. تهران: سمت.
37. Addis, J., & Bernard, M.E. (2002). Marital adjustment and irrational beliefs. *Journal of Rational Emotive Cognitive Behavior Therapy*, 20: 3- 13.
38. Alberts, J.K. (1989). Perceived effectiveness of couples' conversational complaints. *Communication Studies*, 40: 280- 291.
39. Bookwala, J., & et al. (2005). Gender and aggression in marital relationships: A life span perspective. *Sex Roles*, 52: 797- 806.
40. Butler, M.H., & et al. (2002). Prayer as a conflict resolution ritual: Clinical implications of religious couples' report of relationship softening, healing perspective, and change responsibility. *American Journal of Family Therapy*, 30: 19- 37.
41. Coyne, J.C., & et al. (2002). Marital quality, coping with conflict, marital complaints, and affection in couples with a depressed wife. *Journal of Family Psychology*, 16(1), 26- 37.
42. Emmons, R.A. & King, L.A. (1998). Conflict among personal striving: Immediate and long term implications for psychological and physical well being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 64: 1040- 1048.
43. Faulkner, R.A. (2002). *Marital conflict over time for husbands and wives*. Ethis of doctor of philosophy. The University of Georgia.
44. Fincham, F.D, & et al. (2007). Longitudinal Relations between Forgiveness and Conflict Resolution in Marriage. *Journal of Family Psychology*, 21: 542- 545.
45. Fineberg, B.L., & Lowman, J. (1975). Affect and status dimensions of marital adjustment. *Journal of Marriage and the Family*, 37: 155- 160.
46. Hill, E. (2001). Understanding forgiveness as discovery: Implications for marital and family therapy. *contemporary family therapy*, 23(4), 369- 384.
47. Hunler, O.S. & Gencoz, T.I. (2005). The effect of religiousness on marital satisfaction: Testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction.

Contemporary Family Therapy, 27(1), 123- 136.

48. Kendler, K.S., & et al. (2003). Dimensions of religiosity and their relationship to lifetime psychiatric and substance use disorders. *American journal of psychiatry*.160(3), 496- 503.
49. Glaser Kiecolt , J.K., & et al. (2005). Hostile marital interactions, proinflammatory cytokine production, and wound healing. *Archive of General Psychiatry*, 62: 1377– 1384.
50. Kiecolt-Glaser, J.K., & Newton, T.L. (2001). Marriage and health: His and hers. *Psychological Bulletin*, 127: 472– 503.
51. Levenson, R.W., & et al. (1993). Long-term marriage: Age, gender and satisfaction. *Psychology and Aging*, 8:301– 313.
52. Mahoney, A. (2005). Religion and conflict in marital and parent child relationship. *Journal Of Social Issues*, 61(4), 689- 706.
53. Mahoney, A., & et al. (1999). Marriage and the spiritual realm: The role of proximal and distal religious constructs in marital functioning. *Journal of Family Psychology*, 13: 321- 338.
54. Mahoney, A., & et al. (2003). Religion and the sanctification of family relationship. *Review of Religious Research*, 44 (3), 220- 236.
55. Marsh, R., & Dallos, R. (2001). Roman Catholic couples: wrath and religion. *Journal of Family Process*. Fall, 40(3), 343- 360.
56. Nealey-Moore, J.B., & et al. (2007). Cardiovascular reactivity during positive and negative marital interactions. *Journal of Behavioral Medicine*, 30: 505– 519.
57. Nock, S.L. (1995). A Comparison of Marriages and Cohabiting Relationships. *Journal of Family Issues*, 16 (1), 53– 76.
58. Noller, P., & Fitzpatrick, M.A. (1990). Marital communication in the eighties. *Journal of Marriage and the Family*, 52: 832– 843.
59. Ofarell, J. (1989). Marital and Family therapy in alcoholism treatment. *Journal of Substance Abuse Treatment*. 6: 23- 29.
60. Overbeek, G., & et al. (2006). Longitudinal associations of marital quality and marital dissolution with the incidence of DSM-III –R disorders. *Journal of Family Psychology*, 20: 284- 291.
61. Pargament, K.I., & et al. (1998). Patterns of positive and negative religious coping with major life stressors. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 37(4), 710- 724.
62. Patterson, G; & et al. (1975). Interpersonal skills training for couples in early stages of conflict. *Journal of Marriage and Family*, 37 (2), 295- 303.
63. Rice, L.P. (1996). *Intimate relationship marriage and family*. California: Cole.
64. Steuber, K.R. (2005). Attachment style, conflict style, and relationship satisfaction: A comprehensive model. *Poster presentation at National Communication Association Conference*. Boston. MA.
65. Troxel W.M. (2006). Marital quality, communal strength, and physical health. Doctor of philosophy. *University of Pittsburgh*, 79: 16- 25.
66. Wanic R. & Kulic, J. (2011). Toward an understanding of gender differences in the impact of marital conflict on health. *Sex Roles*, 65: 297- 312.